

کتاب دانیال — نمبر اٹھائیس

دیوارها

Jeff Pippenger

2023-12-23

نبوکدنصر نمایانگر آغاز ادونتیسیم، آغاز ایالات متحده، آغاز شاخ پروتستان و آغاز شاخ جمهوری خواه است. بلشصر نمایانگر پایان همه این خطوط است.

نبوکدنصر نمایانگر تاریخ پیام‌های فرشته اول و دوم از سال ۱۷۹۸ تا ۱۸۴۴ و آغاز دآوری تحقیقی خداست. شهادت او با دانیال باب اول به موازات است. بلشصر نمایانگر تاریخ پیام فرشته سوم از ۱۹۸۹ تا قانون یکشنبه و آغاز دآوری اجرایی خداست. شهادت او با دانیال باب‌های اول تا سوم به موازات است.

نبوکدنصر یسمُ نهاية «الأزمة السبعة» التي حلت على المملكة الشمالية، إسرائيل، سنة 1798، حين ردت إليه مملكته بعد أن عاش بقلب بهيمة. وتستمر شهادته إلى افتتاح الديونة الحقيقية عند نهاية «الأزمة السبعة» التي حلت على المملكة الجنوبية، يهوذا، سنة 1844. وفي شهادته تمثّل كلمة «الساعة» رسالة ساعة الديونة للملك الأول، ثم تمثّل أيضاً مجيء تلك الرسالة. فالـ«ساعة» في شهادته تُشير إلى كلّ من 1798 و1844، اللتين تمثّلان، على التوالي، ختام السخط الأول وختام السخط الأخير.

انجام بیلشصر با آن نوشته رازآمیز مشخص می‌شود که معادل دو هزار و پانصد و بیست است. «هفت زمان»، خواه به صورت «یک ساعت»، «پراکنده شدن» یا «دو هزار و پانصد و بیست» نمایش داده شود، نمادی از دآوری است. دآوری نمرود «پراکنده شدن» بود، دآوری نبوکدنصر «هفت زمان» بود، و دآوری بیلشصر دو هزار و پانصد و بیست. هنگامی که نبوکدنصر آن سه مرد شایسته را دآوری کرد، فرمان داد کوره را «هفت بار» بیش از حد معمول گرم کنند.

قضاوت «هفت زمان» با فرارسیدن پیام نخست، و نیز با فرارسیدن پیام سوم، مشخص می‌شود. پایان ادونتیسیم میلری در سال ۱۸۶۳ با ردّ تعلیم «هفت زمان» آغاز می‌گردد، و یکصد و بیست و شش سال بعد، در ۱۹۸۹، «زمان آخر» برای تاریخ فرشته سوم فرا رسید. عدد یکصد و بیست و شش نمادی از «هفت زمان» است؛ بنابراین، پایان جنبش فرشته اول در ۱۸۶۳ تا آغاز جنبش فرشته سوم در ۱۹۸۹، به واسطه «هفت زمان» و از طریق نمادین یکصد و بیست و شش، به یکدیگر پیوند می‌یابد.

با این همه، شهادت سقوط بیلشصر در باب پنجم دانیال تعلیم می‌دهد که هیچ‌کس نمی‌تواند دآوری «هفت زمان» را ببیند، هرچند که آن بر «دیوار» نوشته شده است. برای شاخ جمهوری خواه، این دآوری بر «دیوار جدایی کلیسا و دولت» توماس جفرسون نوشته شده است؛ همان دیواری که در باب پنجم دانیال برداشته می‌شود. برای شاخ پروتستان حقیقی، این دآوری بر دو نمودار مقدس نوشته شده است که بر «دیوار» آویخته می‌شوند تا هر که آن را می‌خواند بدود. اما در کوری لائودیکیه، این کلمات نامتمایز است. در هر دو مورد، کلمات دآوری بیانگر آن است که هم شاخ پروتستان حقیقی و هم شاخ جمهوری خواه در ترازوها سنجیده شده‌اند و ناقص یافت شده‌اند. داستان بیلشصر پیامی برای شاخ جمهوری خواه دارد که نمایانگر ملت‌های جهان است.

«در تاریخ نبوکدنصر و بلشصر، خدا با ملت‌های امروز سخن می‌گوید.» Signs of the Times، 20 ژوئیه 1891.

داستان بلشصر نیز پیامی برای شاخ پروتستان دارد که نمایندهٔ مردم جهان است.

«در تاریخ نبوکدنصر و بلشصر، خدا با مردم امروز سخن می‌گوید.» 17 Bible Echo، سپتامبر 1894.

گناه پلشصر نمایانگر گناه هر دو شاخ وحش زمین است. گناه هر یک از این دو شاخ در این نهفته است که با وجود برخورداری از آگاهی کامل نسبت به حقایق بنیادین خویش، آن حقایق را رد می‌کنند. شاخ جمهوری‌خواه در برابر نوری که از قانون اساسی و از تاریخ آغازین پدید آمدن آن سند الهی تابیده است، مسئول شناخته می‌شود؛ اما آن نور از آن زمان تاکنون به تدریج مردود شمرده شده است. هنگامی که آن ملت همچون اژدها سخن بگوید، دیوار نمادین جدایی کلیسا و دولت برداشته شده خواهد بود. و برای شاخ حقیقی پروتستان نیز، نوری که از تاریخ پیام‌های فرشتهٔ اول و دوم، آنگاه که بنیادها نهاده شدند، تابیده بود، به تدریج رد شده است و همچنان بیش از پیش رد خواهد شد، تا آنکه «دیوار» شریعت خدا نیز سرانجام مردود شمرده شود.

در اینجا نبی قومی را توصیف می‌کند که در زمانی از ارتداد عمومی از حقیقت و عدالت، در پی آن‌اند که اصولی را که بنیاد ملکوت خداست، باز برقرار سازند. ایشان مرمت‌کنندگان رخنه‌ای هستند که در شریعت خدا پدید آمده است—آن دیواری که او برای حفاظت برگزیدگان خویش بر گرد آنان نهاده است، و اطاعت از احکام آن، یعنی عدالت، حقیقت، و طهارت، باید حصار دائمی ایشان باشد.

«نبی به الفاظی با معنایی بی‌ابهام، کار ویژهٔ این قوم باقیمانده را که دیوار را بنا می‌کنند، نشان می‌دهد: «اگر پای خود را از سبت بازداری، و در روز مقدس من به پی خوشی خویش نروی؛ و سبت را لذت، و مقدس خداوند را مکرم بخوانی؛ و او را حرمت نهی، نه به رفتن در راه‌های خود، و نه به جستن خوشی خویش، و نه به گفتن سخنان خود: آنگاه در خداوند متلذذ خواهی شد؛ و من تو را بر بلندی‌های زمین سوار خواهم کرد، و تو را از میراث یعقوب پدرت خواهم خورانید؛ زیرا دهان خداوند این را گفته است.» اشعیا ۵۸:۱۳، ۱۴.» انبیا و پادشاهان، ۶۷۷، ۶۷۸.

روش کتاب مقدسی‌ای که فرشتگان بر ویلیام میلر آشکار ساختند، نمایانگر قوانین نبوی خداست؛ و برخلاف اسرائیل باستان، اسرائیل جدید می‌بایست امانت‌دار نه فقط شریعت ده فرمان، بلکه نیز نبوت‌ها باشد.

«خدا کلیسای خود را در این روزگار فراخوانده است، همان‌گونه که اسرائیل باستان را فراخواند، تا چون نوری در زمین بایستد. او به وسیلهٔ ساطور نیرومند حقیقت، از رهگذر پیام‌های فرشتهٔ اول، دوم، و سوم، آنان را از کلیساها و از جهان جدا ساخته است تا ایشان را به قربی مقدس با خویشتن درآورد. او آنان را امینان شریعت خویش قرار داده و حقایق عظیم نبوت را برای این زمان به ایشان سپرده است. همانند وحی‌های مقدسی که به اسرائیل باستان سپرده شد، اینها نیز امانتی مقدس‌اند که باید به جهان ابلاغ شوند. سه فرشته مکاشفه 14 نمایانگر مردمی هستند که نور پیام‌های خدا را می‌پذیرند و به عنوان عاملان او بیرون می‌روند تا هشدار را در سراسر طول و عرض زمین به صدا درآورند. مسیح به پیروان خود اعلام می‌دارد: "شما نور جهان هستید." صلیب جلجتا به هر جان که عیسی را می‌پذیرد چنین سخن می‌گوید: "اینک ارزش جان را بنگرید: «به تمامی عالم بروید و انجیل را به هر مخلوقی موعظه کنید.»" نباید به هیچ چیز اجازه داده شود که این کار را بازدارد. این مهم‌ترین کار برای این زمان است؛ باید دامنهٔ آن تا ابدیت امتداد یابد. محبتی که عیسی در قربانی‌ای که برای رستگاری انسان‌ها تقدیم کرد نسبت به جان‌های ایشان آشکار ساخت، همهٔ پیروان او را به حرکت درخواهد آورد.» شهادت‌ها، جلد 5، 455.

«عظیم حقایق نبوت» که به واسطه فرشتگان عطا گردید و از طریق کار ویلیام میلر استوار شد، امانتی مقدس است که باید به جهان ابلاغ شود.» شریعت ده فرمان، قوانین طبیعت، قوانین تندرستی، و قوانین مطالعه نبوت، همگی از سوی همان شارع اعظم داده شده‌اند، و رد یک حکم، رد همه آنهاست. رد روش‌شناسی داده‌شده به ویلیام میلر، آغازگر شورشی تدریجی بود که سرانجام ادونتیسیم را به رد سبت روز هفتم خواهد کشانید.

خداوند در این ایام آخر با قوم مدّعی خویش منازعه‌ای دارد. در این منازعه، مردانی که در مناصب مسئولانه قرار دارند، مسیری را در پیش خواهند گرفت که مستقیماً برخلاف آن چیزی است که نعمیا پیمود. آنان نه تنها خود سبت را نادیده خواهند گرفت و خوار خواهند شمرد، بلکه خواهند کوشید آن را از دیگران نیز پنهان سازند، به واسطه مدفون کردن آن در زیر آوار رسوم و سنت. در کلیساها و در اجتماعات بزرگ فضای باز، خادمان بر مردم ضرورت نگاه داشتن روز نخست هفته را اصرار خواهند ورزید. مصیبت‌هایی در دریا و خشکی رخ می‌دهد؛ و این مصیبت‌ها فزونی خواهد گرفت، به گونه‌ای که هر فاجعه‌ای از پی فاجعه‌ای دیگر به سرعت خواهد آمد؛ و آن گروه کوچک نگاه‌داران سبت به عنوان کسانی معرفی خواهند شد که به سبب بی‌اعتنائی‌شان به یکشنبه، غضب خدا را بر جهان فرود می‌آورند.

شیطان این دروغ را ترویج می‌کند تا جهان را به اسارت درآورد. نقشه او این است که انسان‌ها را وادار سازد که خطاها را بپذیرند. او در اشاعه همه ادیان باطل نقشی فعال دارد، و در کوشش‌های خود برای تحمیل تعالیم گمراه‌کننده از هیچ کاری فروگذار نخواهد کرد. زیر پوشش غیرت دینی، انسان‌هایی که از روح او تأثیر پذیرفته‌اند، بی‌رحمانه‌ترین شکنجه‌ها را برای هموعان خود ابداع کرده‌اند و هولناک‌ترین رنج‌ها را بر آنان وارد آورده‌اند. شیطان و عاملانش هنوز همان روح را دارند؛ و تاریخ گذشته در روزگار ما تکرار خواهد شد.

«مردانی هستند که ذهن و اراده خود را بر انجام شرارت نهاده‌اند؛ در نهانخانه‌های تاریک دل‌های خویش، جرایمی را که خواهند مرتکب شد در دل مقرر کرده‌اند. این مردان خویشتن‌فریب‌اند. ایشان فرمان عظیم خدا درباره حق را رد کرده‌اند، و به جای آن، معیاری از آن خود برافراشته‌اند، و چون خویشتن را با این معیار می‌سنجند، خود را مقدس اعلام می‌کنند. خداوند به آنان اجازه خواهد داد آنچه را در دل دارند آشکار سازند، و روح آن سروری را که بر ایشان حکم می‌راند به عمل درآورند. او خواهد گذاشت که نفرت خویش از شریعت او را در رفتارشان با کسانی که به الزامات آن وفادارند نشان دهند. آنان به همان روح جنون دینی برانگیخته خواهند شد که آن جماعت را که مسیح را مصلوب کردند به پیش می‌رانند؛ کلیسا و دولت در همان هم‌آوایی فاسد با یکدیگر متحد خواهند شد.»

«کلیسای امروز در جای پای یهودیان روزگاران گذشته گام نهاده است؛ آنان که احکام خدا را به خاطر سنت‌های خود کنار گذاشتند. او فریضه را دگرگون کرده، عهد جاودانی را شکسته است، و اکنون نیز، همچون آن زمان، نتیجه آن تکبر، بی‌ایمانی و بی‌وفایی است. حالت حقیقی او در این سخنان از سرود موسی بیان شده است: «خویشتن را فاسد ساخته‌اند؛ عیب ایشان، عیب فرزندان او نیست؛ ایشان نسلی کج‌رو و منحرف‌اند. ای قوم جاهل و نادان، آیا بدین‌سان به خداوند جزا می‌دهید؟ آیا او پدر تو نیست که تو را خریده است؟ آیا او تو را نساخته و استوار نگردانیده است؟» Review and Herald, March 18, 1884

ردّ نهایی ادونتیسیم به حقیقت، در هنگام قانون یکشنبه رخ می‌دهد، آنگاه که ادونتیسیم تاریخ اسرائیل باستان را تکرار می‌کند؛ زمانی که «به تحریک همان روح جنون مذهبی که اوپاش مصلوب‌کننده مسیح را به پیش راند، کلیسا و دولت در همان هماهنگی فاسد با یکدیگر متحد خواهند شد.» عصیان تدریجی ادونتیسیم در فصل هشتم حزقیال به تصویر کشیده شده است؛ با چهار رجاست فزاینده که به گونه‌ای

نبوی چہار نسل ادونتیسم را کہ در سال 1863 آغاز شد، مشخص می‌سازند. رجاستِ نہایی آن است کہ رہبران اورشلیم در برابر آفتاب سجدہ می‌کنند.

اور اُس نے مجھے خُداوند کے گھر کے اندرونی صحن میں لے گیا، اور دیکھو، خُداوند کی پیکل کے دروازے پر، اُس برآمدہ اور مذبح کے درمیان، قریب پچیس آدمی تھے، جن کی پیٹھیں خُداوند کی پیکل کی طرف تھیں اور اُن کے چہرے مشرق کی طرف؛ اور وہ مشرق کی طرف رخ کر کے سورج کو سجدہ کرتے تھے۔ پھر اُس نے مجھ سے کہا، اے ابنِ آدم، کیا تو نے یہ دیکھا؟ کیا یہ یہوداہ کے گھرانے کے لیے ہلکی بات ہے کہ وہ یہاں وہ مکروہ کام کرتے ہیں جو وہ کرتے ہیں؟ کیونکہ اُنہوں نے ملک کو ظلم سے بھر دیا ہے، اور پھر لوٹ کر مجھے غضب دلانے لگے ہیں؛ اور دیکھ، وہ شاخ اپنی ناک تک لاتے ہیں۔ پس میں بھی قہر کے ساتھ عمل کروں گا: میری آنکھ رعایت نہ کرے گی، نہ میں رحم کروں گا؛ اور اگرچہ وہ میرے کانوں میں بلند آواز سے فریاد کریں، تو بھی میں اُن کی نہ سنوں گا۔ حزقی ایل 18:8-16۔

داوری ای کہ در آن زمان واقع می‌شود، در «ساعت» داوری پلشصر بہ تصویر کشیدہ شدہ است.

بلشصر بادشاہ نے اپنے ایک ہزار امرا کے لیے ایک عظیم ضیافت کی، اور ان ایک ہزار کے سامنے مے نوشی کی۔ بلشصر نے، جب وہ مے چکھ رہا تھا، حکم دیا کہ سونے اور چاندی کے وہ برتن لائے جائیں جنہیں اس کے باپ نبوکدنصر نے یروشلم میں واقع پیکل سے نکلویا تھا، تاکہ بادشاہ اور اس کے امرا، اس کی بیویاں اور اس کی حرم سرا کی عورتیں ان میں پئیں۔ تب وہ سونے کے برتن لائے گئے جو یروشلم میں خدا کے گھر کی پیکل سے نکالے گئے تھے؛ اور بادشاہ، اس کے امرا، اس کی بیویاں اور اس کی حرم سرا کی عورتیں ان میں پینے لگیں۔ انہوں نے مے پی اور سونے، چاندی، پیتل، لوہے، لکڑی اور پتھر کے دیوتاؤں کی ستائش کی۔ اسی گھڑی ایک انسان کے ہاتھ کی انگلیاں نمودار ہوئیں اور شاہی محل کی دیوار کے گچ پر شمعدان کے سامنے لکھنے لگیں؛ اور بادشاہ نے ہاتھ کا وہ حصہ دیکھا جو لکھ رہا تھا۔ تب بادشاہ کے چہرے کا رنگ بدل گیا، اور اس کے خیالات نے اسے مضطرب کر دیا، یہاں تک کہ اس کی کمر کے جوڑ ڈھیلے پڑ گئے اور اس کے گھٹنے ایک دوسرے سے ٹکرانے لگے۔ بادشاہ نے بلند آواز سے حکم دیا کہ نجومیوں، کسادیوں اور فال گیروں کو حاضر کیا جائے۔ اور بادشاہ نے کلام کیا اور بابل کے حکیموں سے کہا، جو کوئی اس نوشتہ کو پڑھ کر اس کی تعبیر مجھے بتائے گا، وہ ارغوانی لباس پہنایا جائے گا، اس کے گلے میں سونے کی زنجیر ڈالی جائے گی، اور وہ مملکت میں تیسرے درجے کا حاکم ہوگا۔ تب بادشاہ کے سب حکیم اندر آئے، لیکن وہ نہ اس نوشتہ کو پڑھ سکے اور نہ اس کی تعبیر بادشاہ پر ظاہر کر سکے۔ تب بلشصر بادشاہ نہایت مضطرب ہوا، اور اس کے چہرے کا رنگ اس میں بدل گیا، اور اس کے امرا حیران رہ گئے۔ دانی ایل 5:1-9۔

در «ہمان ساعت» کہ داوری بلشصر فرا رسید، شدرک، میشک و عابدنغو بہ درون کورہای افکنده شدند کہ «ہفت برابر» بیش از معمول گداخته شدہ بود.

اکنون اگر آمادہ باشید کہ ہرگاہ صدای کرنا و نی و چنگ و رباب و بربط و ہر نوع موسیقی را بشنوید، بہ خاک افتادہ، تمثالی را کہ ساختہام سجدہ کنید، نیکوست؛ اما اگر سجدہ نکنید، در ہمان ساعت بہ میان کورہ آتش افروختہ افکنده خواہید شد؛ و آن خدا کیست کہ شما را از دست من رہایی دہد؟ شدرک، میشک، و عابدنغو در پاسخ بہ پادشاہ گفتند: ای نبوکدنصر، ما را حاجتی نیست کہ در این امر تو را جواب دہیم. اگر چنین باشد، خدای ما کہ او را عبادت می‌کنیم قادر است ما را از کورہ آتش افروختہ برہاند، و ای پادشاہ، ما را از دست تو نیز رہایی خواہد داد. اما اگر نہ، ای پادشاہ، بر تو معلوم باشد کہ خدایان تو را عبادت نخواہیم کرد، و تمثال زرینی را کہ برپا داشتہ ای سجدہ نخواہیم نمود. آنگاہ نبوکدنصر از خشم لبریز شد، و سیمای چہرہ اش بر ضد شدرک، میشک، و عابدنغو دگرگون گشت؛ پس سخن گفت و فرمان داد کہ کورہ را ہفت چندان بیش از آنچه معمول بود گرم کنند. دانیال ۱۵:۳-۱۹۔

«ساعت» داوری برای بلشصر همان «ساعت» داوری برای شدرک، میشک و عبدنغو است، و در هر دو خط، «هفت زمان» به عنوان نماد آن داوری ارائه شده‌اند. آن سه مرد برگزیده نماینده دو شاهی هستند که در «ساعت» زلزله عظیم در هنگام قانون یکشنبه با ابرها به آسمان صعود می‌کنند، به مثابه علم؛ و بلشصر نماینده داوری ویرانی ملی است که در همان «ساعت» بر وحش زمین وارد می‌شود.

ما در مقاله بعدی به مطالعه خود درباره داوری پلشصر ادامه خواهیم داد.

«من از بابت معیار پایین دینداری در میان قوم خود، سخت در اندیشه و اضطرابم. و هنگامی که به وای‌هایی که بر کفرناحوم اعلام شد می‌اندیشم، به این می‌اندیشم که محکومیت آنان که حقیقت را می‌دانند و مطابق حقیقت سلوک نکرده‌اند، بلکه در شراره‌های افروخته خویش راه رفته‌اند، چه قدر سنگین‌تر خواهد بود. در پاس‌های شب، من مردم را به شیوه‌ای بسیار جدی خطاب می‌کنم و از ایشان تمنا دارم که از وجدان خویش بپرسند: من چه هستم؟ آیا مسیحی هستم یا نیستم؟ آیا دل من تازه شده است؟ آیا فیض دگرگون‌ساز خدا شخصیت مرا قالب زده است؟ آیا از گناهانم توبه کرده‌ام؟ آیا آنها را اقرار کرده‌ام؟ آیا آمرزیده شده‌اند؟ آیا با مسیح یک هستم، همان‌گونه که او با پدر یک است؟ آیا از آنچه زمانی دوست می‌داشتم اکنون بیزارم؟ آیا اکنون آنچه را زمانی از آن نفرت داشتم دوست می‌دارم؟ آیا همه چیز را در برابر برتری معرفت مسیح عیسی، زیان می‌شمارم؟ آیا احساس می‌کنم که ملک خریداری‌شده عیسی مسیح هستم و باید هر ساعت خویشتن را به خدمت او تقدیس کنم؟»

«ما بر آستانه رویدادهایی عظیم و مهیب ایستاده‌ایم. تمامی زمین باید از جلال خداوند منور گردد، چنان‌که آب‌ها مجاری ژرفای عظیم را می‌پوشانند. نبوت‌ها در حال تحقق‌اند، و روزگاران طوفانی در پیش روی ماست. مجادلات کهنه‌ای که ظاهراً مدت‌های دراز خاموش شده بودند، از نو زنده خواهند شد، و مجادلات تازه‌ای سر برخواهند آورد؛ نو و کهنه درهم خواهند آمیخت، و این امر به زودی روی خواهد داد. فرشتگان چهار باد را نگاه داشته‌اند تا نوزند، تا آن‌گاه که کار معین هشدار به جهان داده شود؛ اما طوفان در حال گرد آمدن است، ابرها انباشته می‌شوند و آماده‌اند که بر جهان بترکند، و برای بسیاری این همچون دزدی در شب خواهد بود.»

«بسیاری لیخنند می‌زدند و باور نمی‌کردند هنگامی که بیست و سی سال پیش به آنان گفتیم که یکشنبه بر تمام جهان تحمیل خواهد شد، و قانونی وضع خواهد گردید تا رعایت آن را اجبار کند و بر وجدان زور آورد. اکنون می‌بینیم که این امر در حال تحقق است. هر آنچه خدا درباره آینده گفته است، بی‌تردید به وقوع خواهد پیوست؛ از تمامی آنچه او گفته است، حتی یک چیز نیز فرو نخواهد افتاد. پروتستان‌تیسم اکنون دست‌های خود را از فراز این شکاف دراز می‌کند تا با پاپیت دست دهد، و اتحادی در حال شکل‌گیری است تا سبت چهارم را از نظرها محو و پایمال کند؛ و آن مرد گناه، که به تحریک شیطان، سبت جعلی را برقرار ساخت، این فرزند پاپیت، برکشیده خواهد شد تا جای خدا را بگیرد.»

«تمام آسمان به من چنین نمودار شده است که ناظر گشوده‌شدن حوادث است. بحرانی قرار است در آن منازعه عظیم و طولانی‌مدت در حکومت خدا بر زمین آشکار گردد. امری عظیم و قاطع باید رخ دهد، و آن هم به زودی تمام. اگر هرگونه تأخیری روی دهد، شخصیت خدا و تخت او به مخاطره خواهد افتاد. اسلحه‌خانه آسمان گشوده است؛ تمام عالم خدا و سازوبرگ آن مهیا است. عدالت فقط یک کلمه برای گفتن دارد، و آنگاه بر زمین جلوه‌های هولناک غضب خدا پدیدار خواهد شد. صداها و رعد‌ها و برق‌ها و زلزله‌ها و ویرانی جهانی خواهد بود. هر حرکت در عالم آسمان برای آماده ساختن جهان جهت آن بحران عظیم است.»

«شدت در حال تسخیر هر عنصر زمینی است؛ و در میان قومی که از نور عظیم و معرفت شگفت‌انگیز برخوردار بوده‌اند، بسیاری از ایشان به آن پنج باکره خفته با چراغ‌هایشان، اما بی‌روغن در ظرف‌هایشان، تمثیل شده‌اند؛ سرد، بی‌حس، یا دینداری‌ای ضعیف و رو به زوال. در حالی که حیاتی نو در حال انتشار است و از زیر سر برمی‌آورد و بر همه عوامل شیطان استوارانه چنگ می‌اندازد، در تدارک آخرین نبرد و کشمکش عظیم، نوری تازه و حیاتی تازه و قدرتی تازه از اعلی نازل می‌شود و بر قوم خدا که مرده نیستند، چنان‌که اکنون بسیاری در خطایا و گناهان مرده‌اند، مسلط می‌گردد. قومی که اکنون، از آنچه در برابر ما در جریان است، آنچه را که به زودی بر ما خواهد آمد می‌بینند، دیگر به ابداعات بشری اعتماد نخواهند کرد، و احساس خواهند کرد که روح‌القدس باید شناخته شود، پذیرفته شود، و در برابر مردم عرضه گردد، تا ایشان برای جلال خدا مجاهده کنند و در همه جا، در گذرگاه‌ها و شاهراه‌های زندگی، برای نجات جان‌های همنوعان خویش کار کنند. تنها صخره‌ای که یقینی و استوار است، صخره اعصار است. تنها آنان که بر این صخره بنا می‌کنند، در امان‌اند.»

«کسانی که اکنون جسمانی‌ذهن‌اند، با وجود هشدارهایی که خدا در کلام خویش و از طریق شهادت‌های روح خود داده است، هرگز با خاندان مقدس رستگاران متحد نخواهند شد. ایشان نفسانی‌اند، در اندیشه فرومایه و در نظر خدا مکروه. هرگز به واسطه حقیقت تقدیس نشده‌اند. از طبیعت الهی بهره‌مند نیستند، و هرگز بر خویشتن و بر جهان با عواطف و شهواتش غلبه نیافته‌اند. این‌گونه اشخاص در سراسر کلیساهای ما یافت می‌شوند، و در نتیجه آن، کلیساهای ضعیف و بیمارگون و آماده برای مردن‌اند. اکنون نباید هیچ شهادت بی‌تفاوتی ادا شود، بلکه شهادتی قاطع و صریح باید داده شود که هر ناپاکی را توبیخ کند و عیسی را سرافراز سازد. ما، به‌عنوان یک قوم، باید در حالت انتظار باشیم، کار کنیم و انتظار بکشیم و بیدار بمانیم و دعا کنیم.»

“مبارک امید، یعنی امید ظهور ثانوی مسیح، باید بارها و بارها با همه واقعیت‌های خطیرش به مردم عرضه شود؛ چشم‌به‌راه ظهور نزدیک خداوند ما عیسی در جلال او بودن، آدمی را به این می‌رساند که امور زمینی را پوچی و هیچ بشمارد. هرگونه عزت یا امتیاز دنیوی بی‌ارزش است، زیرا ایماندار حقیقی فراتر از جهان زیست می‌کند؛ گام‌های او به سوی آسمان پیش می‌رود. او زائری است و غریبی. تابعیت او در بالاست. او پرتوهای آفتاب عدالت مسیح را در جان خویش گرد می‌آورد تا در تاریکی اخلاقی‌ای که جهان را دربر گرفته است، چراغی فروزان و تابان باشد. چه ایمان نیرومندی، چه امید زنده‌ای، چه محبت سوزانی، چه غیرت مقدس و وقف‌شده‌ای برای خدا در او دیده می‌شود، و چه تمایز آشکاری میان او و جهان وجود دارد! پس بیدار باشید و هر وقت دعا کنید تا شایسته شمرده شوید که از همه این چیزهایی که واقع خواهد شد، رهایی یابید و در حضور پسر انسان بایستید. ‘پس بیدار باشید، زیرا نمی‌دانید خداوند شما در چه ساعتی می‌آید.’ پس شما نیز آماده باشید، زیرا پسر انسان در ساعتی می‌آید که گمان نمی‌برید.’ ‘اینک، چون دزد می‌آیم. خوشا به حال آن که بیدار می‌ماند و جامه‌های خود را نگاه می‌دارد.’” رساله‌ها، 38-40.